



## US Nuclear Power Plant Locations

**امکان تبدیل یک نیروگاه انرژی هسته ای صلح آمیز  
به نیروگاه تولیدی سلاح های نظامی هسته ای خطرناک،  
مانند آب خوردن آسان است.**

از انتشارات بنیاد هانریش بل و بنیاد سبزه‌های اروپا، نوشته شده در ژانویه ۲۰۱۰  
برگردان از انور میرستاری، عضو حزب سبزه‌های اروپا

### ۶.۲ - بازنگری در موضع هسته ای

«بازنگری در موضع هسته ای» که در ۶ آوریل ۲۰۱۰ عرضه شد، یک گزارش اوپاما، رئیس جمهور بنا به درخواست مصرانه کنگره آمریکا بود که در آن تمام دیدگاه‌های مهم سیاست هسته ای آینده خود را مشخص می‌کند. او زمینه‌های سیاست هسته ای، برنامه‌های راهبردی، دکترین و توانایی سلاح های هسته ای، آینده این توانایی‌ها و همچنین بیانیه های مربوط به درک و پندار آینده مجتمع صنعتی هسته ای نظامی را جمع‌بندی و مشخص می‌کند. آینده استفاده صلح آمیز انرژی هسته ای در چارچوب این گزارش نمی‌گنجد. تنها، منظره‌هایی که نشان دهنده اهمیت خاص آینده برنامه منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای هستند، در اینجا آمده اند.

برای اولین بار، این سند دارای اهداف روشن یک دنیای بدون سلاح های هسته ای است. در این گزارش، به استفاده احتمالی از سلاح های هسته ای به وسیله آدم‌کشان و هم‌چنین به خطر دستیابی آنان به مواد هسته ای که در ساخت سلاح های هسته ای به کار می‌روند، پیش از اشاره به خطرات ناشی از گسترش تولیدات هسته ای با اهداف گوناگون نظامی، به عنوان بزرگترین تهدید دوران کنونی پرداخته شده است. بنابر این، سند مزبور به تقدم سیاست هسته ای اوپاما مبنی بر دوباره مطرح کردن و تقویت سلسله برنامه‌های پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای اشاره می‌کند. هم‌چنین برای اولین بار، در یک سند سیاسی راهبردی آمریکا چنین نوشته ای دیده می‌شود. پافشاری بر چشم‌پوشی از برنامه‌های هسته ای و داشتن یک سیاست راهبردی پایدار در برابر دیگر ابر قدرتهای هسته ای، مانند چین و روسیه، تنها در

مرحله سوم قرار دارد.

گزارش تأکید می‌کند که دولت جدید می‌خواهد استفاده سلاح های اتمی را با محدودیت‌ها و قید و بندهای خیلی مهم‌تر از دولت گذشته در نظر بگیرد. این دولت، مخصوصاً، خودش را از برنامه‌های جرج بوش کاملاً جدا می‌کند. بر طبق «بازنگری در موضع هسته ای»، آمریکائیان می‌توانند با خیلی از خطراتی، نظیر استفاده کشورهای غیر هسته ای از سلاح های هسته ای، سلاح های شیمیایی و بیولوژیک که دولت بوش می‌خواست با پناه به سلاح های اتمی آن‌ها را از بین ببرد، با سلاح های کلاسیک مقابله کنند. «تلاش و نقش اساسی» سلاح های اتمی، «منصرف ساختن یک حمله هسته ای به آمریکا، متحدان و دوستان مشترک المنافع آن» است. هدف هر چه بیشتر کم کردن نقش سلاح های هسته ای است. در آینده «تنها نقش» سلاح های هسته ای محدود به وادار کردن طرف‌های رقیب به چشم‌پوشی از حمله هسته ای به یکدیگر خواهد بود. «با این وجود، مناسب است که از حالا تا رسیدن به آن شرایط، گزینه استفاده از سلاح های هسته ای با قصد توان دفاع در شرایط حاد و اضطراری، پشتیبانی از منافع حیاتی آمریکا، متحدان و شرکای آن حفظ شود».

این گزارش همچنین درک تازه و روشنی از تضمین های مهم امنیت متقابل برای کشورهای غیر هسته ای می‌دهد که کاملاً مطابق سلسله برنامه های پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای است: «آمریکا با استفاده از سلاح های هسته ای خود، دولت‌هایی را که عضو کشورهای غیرهسته ای پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای هستند و به تعهدات خود در زمینه‌های عدم گسترش تولید هسته ای پای بندند، تهدید نخواهد کرد». این تضمین نامه به روشنی نشان می‌دهد که اگر یکی از این کشورها سلاح های بیولوژیک یا شیمیایی بکار برند، آمریکا مداخله خواهد کرد. تنها قدرتهای هسته ای و کشورهایی که به تعهدات خود در چارچوب پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای عمل

نمی‌کنند، مشمول تهدیدهای آمریکا می‌شوند. یعنی کره شمالی و ایران، امروزه در مد نظر اصلی هستند. همچنین برای پاسخگویی به استفاده احتمالی کشورهای دارای سلاح های بیولوژیک و شیمیایی از این سلاح ها، واشنگتن برای خود حق استفاده از سلاح های هسته ای قائل است. یک سخن آشکار آن است که واشنگتن همیشه برای خود حق استفاده از سلاح های هسته ای را محفوظ می‌داند. این حق، دیگر بطور آشکار در «بازنگری در موضع هسته ای» تازه، نوشته نشده است.

با این وجود، دو وجه خیلی مسأله ساز بی پاسخ می‌ماند: چه کسی تصمیم می‌گیرد که کشوری به تعهداتش در قبال پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای پایبند است یا نه؟ سازمان ملل، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا رئیس‌جمهور آمریکا؟ در ضمن، این تصمیم بر اساس دلایل روشن یا به جای حقایق، با پندارهای واهی گرفته خواهد شد. دو جنبه ای که در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ با بی‌آبرویی و ناراحتی برجسته شدند.

در سیاست‌های اعلام شده، نقش سلاح های هسته ای زیر نظر باراک اوباما، شدیداً محدود و کاهش یافته است. با وجود این، به نظر می‌آید که مقدمه این تغییرات در طرح های راهبردی، کاربردی و عملیاتی و در طرح های ارتش آمریکا چند سالی به درازا خواهد کشید. از اکنون تا آن زمان، طرح و برنامه‌ریزی‌ها بر طبق قواعد تنظیم شده توسط دولت بوش ادامه خواهد داشت. تنها می‌ماند که ببینیم تا کجا و با چه سرعتی نیروهای

ارتش، «سیاست های» مدیریتی اوپاما را اجرا خواهند کرد. ارتشیان می‌توانند امیدوار باشند که یک رئیس جمهور، از حزب جمهوری خواهان، دوباره در آینده سیاست دیگری را اعلان کند. اما «بازنگری در موضع هسته ای» در باره آینده نیروهای هسته ای آمریکا تنها تغییرات کوچکی را پیش‌بینی می‌کند. این بازنگری، با حفظ تشکیلات موجود، به طور بی‌پرده، محافظه کارانه باقی می‌ماند. مسلماً «پیمان آغازی نو» باید به عرصه عمل گذاشته شود. باید بررسی های مقدماتی، برای گفتگو های آتیه ای با روسیه شروع شوند. در هر صورت آمریکائیان سه وجهی سیستم‌های موشکی هسته ای خود را حفظ خواهند کرد و فقط تغییرات جزئی را در آن وارد خواهند ساخت. کاهش تعداد کلاهک های هسته ای در موشک های بالستیک قاره پیمای باید ادامه پیدا کند و تمام شود. در عرض دو سال آینده باید در باره نگاه داشتن یا از بین بردن دو زیر دریایی راهبردی تصمیم گیری شود. کاهش دوباره بمب افکن های دوربرد با ظرفیت هسته ای، باز هم ممکن بود. در هر حال، این تغییرات واقعاً چشم‌گیر نیستند.

برعکس، تصمیم به پیگیری و گسترش همه برنامه‌های مهم نوسازی در بخش سلاح های هسته ای یا جایگزینی آن برنامه ها با روش‌های دیگر، نشانه آشکاری از پیشرفت است. به عنوان مثال، پیشرفت در ساختن موشک های کروزر دوربرد تازه، بمب افکن های نو و یک نسل جدیدی از زیر دریایی ها برای موشک های راهبردی از سال ۲۰۱۹ به بعد، برای اطمینان یابی از «انصراف راهبردی پیوسته تا سال ۲۰۸۰»، تصویب شد.

به همان روش، «بازنگری در موضع هسته ای» ادامه نوسازی کلاهک های هسته ای برای موشک های چنگکی دریا به خشکی «دبلیو۶۷ - ۱»، یک برنامه کامل نوسازی بمب های از نوع «ب - ۱۲-۶۱» و انجام کارهای مقدماتی یک نوسازی کلاهک های انفجاری برای موشک های قاره پیمای «دبلیو ۷۸» را توصیه می‌کند. در راه عملی ساختن این برنامه ها، سرمایه‌گذاری های مهمی به مجتمع های صنایع هسته ای و نظامی برای نوسازی یا ساخت تعداد زیادی از تأسیسات تازه اختصاص داده شده است. مفاهیمی که جرج بوش با نام «سه گانه نو» آورده بود، توسط دولت جدید حفظ گردیدند:

مفاهیم «سه گانه نو» وارده توسط جرج بوش، چشم پوشی در برابر مجموعه اجزای تشکیل دهنده هسته ای در آینده، سیستم‌های دفاعی ضد موشکی و سلاح های کلاسیک دوربرد برای حملات راهبردی برق آسا، توسط دولت جدید نیز حفظ گردیدند. انتقال این تکنولوژی به سیستم‌های بازدارنده منطقه ای یعنی به اروپا و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، خاور نزدیک، میانه و همچنین خاور دور (کره جنوبی و ژاپن) پیش‌بینی شده است.

این تصمیمات در باره آینده تسلیحات نظامی هسته ای با تغییرات در سیاست‌های بیان شده، کاملاً در تضادند. از این سخن ها چنین برداشت می‌شود که در بهترین شرایط، آرزوی دیدن یک دنیای بدون سلاح هسته ای، در قرن ۲۲ برآورده خواهد شد. در

نتیجه، اثر آنها بر شرایط لازم برای بالا بردن امیدواری به یک سیاست منع گسترش تولید سلاح های هسته ای، بی فایده است.

## ۶.۴ - حرف ها و عملکردها - مسایل و تناقض ها

قضایاتها در باره سیاستهای کنونی اوپاما، در مقایسه به حرفهای او در سخنرانی پراگ، رنگ و روی خود را باخته اند. رئیس جمهور کوشش کرد تا قرارداد تازه‌ای را که در باره اش با روسیه مذاکره کرده بود، به نتیجه برساند، اما هنوز نتوانسته آن را از مجلس سنا بگذراند. دولت اوپاما موفق نشد تا به قولی که در باره تصویب «پیمان منع کامل آزمایش های هسته ای» داده بود، به خاطر ترس از جلوگیری آن در سنا، وفا دار بماند. «پیمان آغازی نو» نیز کم و بیش به همان بلا گرفتار شد.

گر چه قول اوپاما در باره کاهش نقش سلاح های هسته ای در برنامه‌های راهبردی امنیتی دولت، برای خیلی‌ها ناکافی است، اما با این وجود، مورد ستایش قرار گرفت. تلاش‌های او برای تشویق به همکاری چند جانبه، تشدید برنامه‌های پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای و برای نوشتن قوانینی در این باره، خیلی سفت و سخت، آشکار هستند. تصمیمات تازه ای که برای سازماندهی محافظه کارانه توانمندی سلاح های هسته ای و یک پشتیبانی، تقریباً از تمام برنامه‌های نوسازی جرج بوش در این زمینه، شاید در نخستین گام دارای امتیازهای سیاسی لازم در طرح و برنامه های ملی بودند، اما بعداً نشان دادند که سد بزرگی در راه بهبودی سیاست‌های منع گسترش تولید سلاح های هسته ای هستند.

بعلاوه، دو نکته از سیاست هسته ای اوپاما شدیداً با هم در تضادند و هر دوی آنها بطور قابل ملاحظه ای خطرناکند: ابتدا، دولت اوپاما تروریسم هسته ای و خطر گسترش تولید سلاح های هسته ای توسط عوامل غیر دولتی را به عنوان مهم‌ترین تهدید برای آینده در نظر می گیرد. به همین دلیل، دولت تلاش می‌کند تا سیاست سلسله برنامه‌های منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای و پیمان مربوطه را تشدید کند و نکات مورد تقدم آنها را به پیش ببرد. این کار نشانه‌های محرز را از سوی آمریکا در باره آمادگیش به خلع سلاح هسته ای طلب می‌کند. برای این که یک بار تجزیه و تحلیل اوپاما در باره خطرات نتیجه دهد، باید توانایی هسته ای موجود در کشور، بیشتر از مقدار پیش‌بینی شده کاهش یابد. اما برعکس، تصمیمات گرفته شده در باره آینده توان هسته ای آمریکا، کاملاً خبر از عملکردهای دیگری دارند:

گسترش و شکل آرایش نیروهای هسته ای آمریکا، اساساً و به آشکارا با میزان نیاز نگهداری هم سطح آن ها با دیگر کشورهای قدرتمند هسته ای هستند یا در برنامه‌های دراز مدت، یک سر و گردن بالاتر از همه آنها، تعیین می شوند. این تصمیمات همچنین علامت می دهند که آمریکا تا نیمه دوم سده کنونی می‌خواهد یک نیروی هسته ای قدرتمند و پیشرفته ای را که دارای توانایی و ساختار های زیربنایی برای نوسازی آن در آینده باشد، حفظ کند.

به احتمال زیاد تصمیمات مزبور یک سد بزرگی در برابر مبارزه با خطر گسترش تولید سلاح های هسته ای خواهند بود، زیرا می‌دانیم که ذوق و شوق خیلی از کشورهای که مخالف گسترش تولید سلاح های هسته ای هستند و آمادگی پذیرش قوانین سخت تری را در تشدید و تحکیم پیمان منع گسترش تولید سلاح های

هسته ای دارند، از بین می برند.

دومین تناقض سیاست هسته ای باراک اوباما نشان می‌دهد که او اسیر ضعف‌های جدایی ناپذیر از پیمان منع گسترش تولید سلاح های هسته ای می باشد: اینکه کشورهای غیر هسته ای، کاملاً حق استفاده از انرژی هسته ای را برای برنامه‌های صلح آمیز دارند، اکیدا ورد زبان همیشگی اوباما است. او در تکمیل حرف‌هایش بر این باور خود تکیه می‌کند که نیروگاه های هسته ای می‌توانند نقش مهمی را در کاهش انتشار گاز کربنیک داشته باشند. اوباما گفته است که خود آمریکا هم نیروگاه های تازه‌ای را خواهد ساخت و از اهمیت و سودمندی عقیده گشایش اعتباری ۵۴ میلیارد دلاری سخن می گوید. بالاخره، دولت وی اعلام کرده است که از ساخت و گسترش نسل های تازه نیروگاه هایی که دارای توانایی مقاومت تبدیل به دستگاه‌های تولید و گسترش سلاح های هسته ای بوده و به قصد صادرات باشند، عمیقاً پشتیبانی خواهد کرد.

این کار می‌تواند کاملاً مانند یک نشان خیرخواهی نسبت به کشورهای غیر هسته ای که می‌خواهند و - بنا به گفته اوباما -

می بایست استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای بکنند، تلقی شود. در عمل، فقط کشورهایی می توانند راه چاره پیشنهادی اوباما را بپذیرند که حاضرند، وضعیت کنونی گسترش تولید سلاح های هسته ای را که در آینده بدتر از آن نیز خواهد شد، به عنوان خطر خیلی بزرگی قبول کنند.